تابناک

روزنامه بین‌المللی صبح ایران | شنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۹۴ | ۲۴ رمضان ۱۴۳۶ | ۱۱ جولای ۲۰۱۵ | اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۲۰:۱۵ |

بر عشق توام، نه صبر پیداست، نه دل
بی روی توام، نه عقل بر جاست، نه دل
این غم که مراست کوه قاف است، نه غم
این دل که تراست، سنگ خاراست، نه دل
(رودکی، قرن سوم، رباعیات)

سوت پایان

از آن‌همه دیروز / بازخوانی تاریخ

روایِ تنهای سنتور در زمانهٔ خود

حبیب سماعی (۱۲۸۰ خورشیدی - ۲۰ تیر ۱۳۲۵ خورشیدی)

حبیب سماعی؛ استاد برجسته سنتور در خردسالی به خواست پدر ضرب را فراگرفت و چون هنوز آن اندازه بزرگ نشده بود که بتواند تمبک را در دست بگیرد، ضرب را روی بالش می‌گذاشت و ساز پدر را همراهی می‌کرد. ولی از سن ۱۲ سالگی به نواختن سنتور پرداخت.

پس از درگذشت وی، ساز سنتور، یک دوران رکود را تجربه کرد. در نهایت با برداشت استاد صبا از شیوه وی و آموزش آن به افرادی چون فرامرز پایور، این ساز دوباره جای خود را در موسیقی ایرانی باز کرد. حبیب سماعی تنها راوی سنت و هنر سنتورنوازی ایران در زمان خود است. ویژگی‌ها و اصل و نسب سنتورنوازی حبیب سماعی را تا پنج نسل قبل از او می‌توان دنبال کرد. همین پنج نسل تداوم و انتقال ویژگی‌ها و پایه‌های اصلی هنر آن استادان در ساز حبیب سماعی کافی است تا توجه ما را به اهمیت نقش و جایگاه هنری این استاد متوجه سازد. شیوه گرفتن مضراب، نوع مضراب، شیوه نشستن، گردش نغمات و اوزان موجود در سنتور حبیب سماعی درست در تداوم نسل‌های پیشین است. تفاوت ساز حبیب با استادان قبلی وی، از جنس همان تحولاتی است که در زبان فارسی رخ می‌دهد. می‌توان گفت ساز حبیب سماعی در اصول نوازندگی کاملاً در مسیر استادان قبل است و در فروع نوازندگی نشان‌دهنده شخصیت، روحیه، شرایط زمان و مکانی است که این استاد در آن می‌زیسته‌است. در مجموع او را باید از مهم‌ترین احیاگران ساز سنتور به شمار آورد.

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

باز هم نژادپرستی در جنوب آمریکا

انتشار دومین رمان نویسنده «کشتن مرغ مقلد» پس از نیم قرن

«نل هارپر لی»، نویسنده امریکایی برنده جایزه ادبی «پولیتزر» سال ۱۹۶۰ برای نگارش رمان ماندگار «کشتن مرغ مقلد» قرار است در این هفته، پس از حدود نیم قرن، دومین رمان خود را با نام «برو یک نگهبان بگمار» (Go Set a Watchman) روانه کتاب‌فروشی‌ها کند. تا کنون گمان می‌رفت «کشتن مرغ مقلد» تنها رمان او است ولی در عین ناباوری علاقه‌مندان به کتاب، «لی» در فوریه ۲۰۱۵ و در سن ۸۸ سالگی، در حالی که تقریبا نابینا و ناشنوا شده است اعلام کرد که روز سه‌شنبه همین هفته دومین اثر خود را منتشر خواهد کرد.

گفته می‌شود کتاب جدید پیش از «کشتن مرغ مقلد» (حدود سال‌های آغازین دهه ۱۹۵۰) نوشته شده اما وقایع آن دنباله کتاب دوم خواهد بود. «کشتن مرغ مقلد» داستانی درباره نژادپرستی است و از نگاه یک کودک ۶ ساله محاکمه یک سیاه‌پوست به اتهام آزار و اذیت یک زن سفیدپوست و تلاش یک وکیل سفیدپوست برای نجات وی روایت می‌شود اما در رمان «برو یک نگهبان بگمار» کودک ۶ ساله ۲۶ سال سن دارد و به شهر زادگاه خود برمی‌گردد.

«رمان کشتن مرغ مقلد» که از روی آن چند فیلم نیز ساخته شد یکی از پرمخاطب‌ترین رمان‌های تاریخ امریکا به‌شمار می‌رود تا جایی که پس از انتشار آن و معرفی شخصیت وکیل مدافع شجاع و منصف با نام «آتیکس فینچ» آمار نام‌گذاری اسم او بر نوزادان و نیز ثبت‌نام رشته حقوق در دانشگاه‌ها به طرز چشم‌گیری افزایش یافت. هم‌چنین «هارپر لی» برای نگارش «کشتن مرغ مقلد» «مدال آزادی ریاست‌جمهوری» را دریافت و چندین مدرک افتخاری را نیز از آن خود کرد.

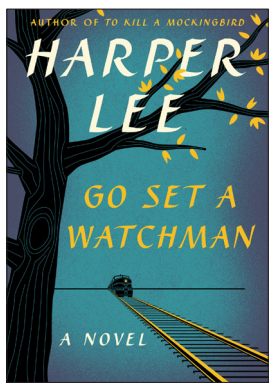

داستان «برو یک نگهبان بگمار» از نگاه سوم شخص روایت می‌شود اما هم‌چون «کشتن مرغ مقلد» هم‌چنان زاویه دید «ژان لوییس فینچ» (فرزند وکیل مدافع با نام کودکی اسکات در کشتن مرغ مقلد) را حفظ کرده و نثر زیبای «هارپر» را دارد؛ نثری ساده، با ضرب‌آهنگ آهسته، طنز اجتماعی بی‌پروا به همراه حکایت عشق و محبت.

هر چند در این اثر هم‌چون «کشتن مرغ مقلد» با رویدادی بزرگ و دراماتیک مثل محاکمه «تام رابینسون» رنگین‌پوست مواجه نخواهیم بود اما درون‌مایه رمان هم‌چنان پیرامون نژادپرستی، آن‌گونه که در جنوب امریکای آن سال‌ها دیده می‌شد، می‌چرخد. دیگر تفاوت کتاب «برو یک نگهبان بگمار» با رمان قبلی این است که «آتیکس» وکیل مدافع خوش‌قلب و عادل، در این داستان به نوعی طرفدار جدایی نژادی معرفی می‌شود. از همین روی بسیاری از منتقدین بر این باورند که این رمان می‌تواند آزمونی باشد برای میزان بخشندگی میلیون‌ها خواننده‌ای که در انتظار آن هستند.

در حال حاضر تنها فصل نخست «برو یک نگهبان بگمار» در اختیار مخاطبان قرار گرفته و تمام اثر در روز سه‌شنبه این هفته روانه کتاب‌فروشی‌ها خواهد شد. در سال ۱۹۶۲ فیلمی بسیار معروف از رمان «کشتن مرغ مقلد» ساخته شد که در آن «گری گوری پیک» در نقش وکیل «فینچ» یکی از بازی‌های ماندگار خود را به نمایش گذاشت.

خودزنی / محیط زیست

کارد به شکمتان بخورد!

یک خرس قهوه‌ای برای تفریح و استفاده خوراکی کشته شد.

این هم از خبری تازه درباره خرس‌های قهوه‌ای. ظاهرا ماجرای کشتار خرس‌ها ادامه دارد و دشمنان محیط زیست این سرزمین عزمشان را جزم کرده‌اند که خرس قهوه‌ای ایرانی نیز به فهرست حیوانات رو به انقراض بپیوندد. بنده تا امروز نمی‌دانستم گوشت خرس را هم می‌خورند. آدمیزاد موجود عجیبی است. این همه مرغ و ماهی و گاو و گوسفند و غیره و ذلک هست برای خوردن. حالا حتما باید گوشت خرس هم بخوری که یک وقت عقب نمانده باشی و گوشت خرس نخورده از دنیا نروی؟ اینجا به نمایندگی از تمام دوستداران محیط زیست و حیات وحش چه می‌توانم بگویم جز آنکه: کارد به شکمت بخورد!!!!

مشروح خبر را بخوانید: متاسفانه شکارچیان غیرمجاز بار دیگر با کشتار یک خرس قهوه‌ای ارزشمند و کمیاب، حادثه‌ای تلخ و ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر را برای محیط زیست کشور رقم زدند.

عصر روز چهارشنبه ۱۷/۴/۹۴ به دنبال دریافت اطلاعاتی مبنی بر ورود شکارچیان غیرمجاز به ارتفاعات کوهستانی شهرستان کلاردشت، نیروهای یگان محیط زیست این شهرستان عازم ارتفاعات شدند. سرپرست اداره محیط زیست کلاردشت در این باره گفت: پس از ساعت‌ها پیاده‌روی حوالی سپیده صبح روز پنجشنبه به محدوده‌ای به نام «پروگردن» در ارتفاعات برفگیر و بالای ۴ هزار متر منطقه رسیدیم و به محض روشن شدن هوا به دوربین کشی و جست‌وجو پرداختیم.

شهرام بیگلر اظهار داشت: مشغول دوربین کشی در ارتفاعات و نقاط دوردست بودیم که متوجه شدیم دو نفر به فاصله حدودا ۵۰ متری در زیر پای ما مشغول حرکت هستند. هر دو نفر با مشاهده محیط‌بانان، کوله‌پشتی‌های خود را به روی زمین انداخته و با پای پیاده با سرعت مشغول فرار شدند. سرپرست اداره محیط زیست کلاردشت گفت: مامورین نیز به دنبال متخلفین دویده و پس از مدت کوتاهی یک نفر از آنان را بازداشت نموده و نفر دوم را نیز پس از حدود یک کیلومتر تعقیب و گریز بازداشت کردند. در بازرسی از درون کوله‌پشتی‌های متخلفین متاسفانه ۲۵ کیلوگرم گوشت راسته و فیله خرس قهوه‌ای به همراه یک چاقو کشف و ضبط شد.

متهمین پس از دستگیری به پایین ارتفاعات منتقل شده و با دستور مقام قضایی جهت بازداشت موقت به کلانتری کلاردشت تحویل داده شدند. شهرام بیگلر گفت: پس از یک شب بازداشت با توجه به حساسیت موضوع روز جمعه ۱۹/۴/۹۴ اولین جلسه رسیدگی به پرونده تشکیل شده و متخلفین در جریان بازجویی‌ها اعتراف کردند که با همکاری یکی از شکارچیان سابقه‌دار و ثروتمند منطقه به شکار یک خرس بالغ اقدام کرده‌اند.

با دستور مقام قضایی گوشی تلفن همراه متهمین مورد بازبینی قرار گرفته و یک فیلم و تعدادی تصویر مربوط به شکار خرس قهوه‌ای به دست آمد. سرپرست اداره محیط زیست کلاردشت گفت: متخلفین انگیزه خود از شکار خرس را تفریح و دستیابی به گوشت خرس و خوردن گوشت این حیوان عنوان کردند. با دستور مقام قضایی هر دو متهم بدون قبول وثیقه روانه بازداشتگاه شدند تا نفر سوم نیز به همراه اسلحه به کار رفته در کشتار خرس نیز در دادگاه حضور یابد.

خبر را خواندید؟ به گمانم حالا شما هم با من هم‌عقیده باشید که تنها حرفی که می‌توان به این آدم‌ها گفت همین است: کارد به شکمتان بخورد!

گردش روزگار برعکس است

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره روبه‌رو/ شرح دهم غمِ تو را نکته به نکته مو به مو

طرح: ابوالفضل محترمی

با کاروان حله / اخبار هنر

نمایش «اسم» در تماشاخانه ایرانشهر

نمایش «اسم» نوشته اتیو دولاپورت و الکساندرولاپتولیر به کارگردانی لیلی رشیدی این روزها در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است.

این نمایشنامه اثری با حال و هوایی طنزآمیز است که با دست گذاشتن روی مسائل ساده و به ظاهر روزمره زندگی، مفاهیمی فلسفی را به مخاطب عرضه می‌کند. این نمایش به شکلی ساده شروع می‌شود اما هرچه پیش می‌رود مفاهیم فلسفی در پس اتفاقات خود را بروز می‌دهند. دکور نمایش کاملا رئال است و آپارتمانی امروزی در فرانسه را نشان می‌دهد. آپارتمان متعلق به زوج جوانی است که دو بچه دارند. آنها میهمانی شامی ترتیب داده‌اند که ونسان (حسن معجونی) برادر خانم میزبان (لیلی رشیدی) و همسرش و همچنین یکی از دوستان قدیمی به نام فلیپ دعوت دارند. ونسان که از کودکی با شوهر خواهرش دوست و همکلاسی بوده است می‌داند که او انسانی اهل فلسفه و کتاب است؛ بنابراین شوخی می‌کند و به او می‌گوید قرار است اسم فرزندش را که به زودی به دنیا می‌آید آدولف بگذارند. این اسم که برای دیگران تداعی کننده نام آدولف هیتلر است مورد مخالفت قرار می‌گیرد و بحث و جدلی بر سر آن صورت می‌گیرد. موضوع از حالت شوخی خارج شده و به شکل جدی مطرح می‌شود. ونسان وقتی به شوخی‌اش اعتراف می‌کند؛ دیگر دیر شده و شب میهمانی خراب شده است اما این موضوع باعث می‌شود مسائل دیگری درباره آدم‌ها رو شود که در مخیله آنها هم نمی‌گنجد. محمد حسن معجونی، داریوش موفق، لیلی رشیدی، عباس جمالی و سارا افشار در این نمایش ایفای نقش می‌کنند.

نبض اکران در دست عطاران و تنابنده

دو فیلم سینمایی از روز چهارشنبه ۲۴ تیرماه به جمع فیلم‌های روی پرده خواهند پیوست. اکران فیلم‌های «رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش و «خداحافظی طولانی» ساخته فرزاد موتمن از چهارشنبه ۲۴ تیرماه رسما آغاز خواهد شد. سینمای ایران بعد از پایان تیرماه هم میزبان فیلم دیگری می‌شود؛ «دوران عاشقی» به کارگردانی علیرضا رئیسیان بعد از پایین آمدن کف فروش «نهنگ عنبر» روی پرده خواهد رفت. همچنین قرار است با پایان اکران فیلم سینمایی «عصر یخبندان» در گروه استقلال، فیلم سینمایی «مزار شریف» جایگزین آن شود. در هفته گذشته تعداد روزهای تعطیلی سینماها به گونه‌ای بود که روی فروش فیلم‌ها تاثیر گذاشت، با این حال فیلمی چون «گینس» توانست در روز جمعه ۳۰ میلیون تومان بفروشد. گینس پرفروش‌ترین فیلم این روزهای سینماست. این فیلم در مدت ۱۳ روز نمایش توانسته ۸۱۰ میلیون تومان بفروشد و در جمع پرفروش‌های تهرانی قرار بگیرد. رضا عطاران در این فیلم سینمایی همبازی تنابنده است. «نهنگ عنبر» ساخته سامان مقدم که بیش از هفت هفته از اکران آن می‌گذرد یکی دیگر از پرفروش‌ترین‌های سینما است. این فیلم در مدت ۵۳ روز نمایش عمومی به فروش سه میلیارد و ۷۰ میلیون تومانی رسیده است. فیلم جدید مقدم روایتی از زندگی مرد و زنی است که از سال‌های دور با هم آشنا بودند، گاه دست زندگی آنان را کنار هم قرار داده و زمانی جدایی افتاده است. مقدم این قصه را با لحنی طنز و با بازی رضا عطاران و مهناز افشار در نقش‌های اصلی داستان روایت کرده است.

فارسی را پاس بداریم

حذف غمبار و بی‌دلیل فعل از جمله‌های فارسی

یکی از بدبختی‌های زبان فارسی این است که ما کاربران این زبان در هنگام نوشتن، بی‌خود و بی‌جهت فعل حذف می‌کنیم و پیش خودمان گمان می‌کنیم این کار درست است و در توجیه هم می‌گوییم: فعل جمله اول را به قرینه لفظی حذف کرده‌ایم!

می‌پرسید منظورت چیست؟ عرض می‌کنم. وقتی دو جمله به هم معطوف می‌شوند (یعنی با «واو» به هم وصل می‌شوند) اگر فعل هر دو جمله یکی باشد ما حق داریم فعل را از آخر جمله اول حذف کنیم و در پایان جملهٔ اول آن را ذکر کنیم. این نوع حذف فعل را در دستور زبان فارسی حذف به قرینه لفظی می‌نامیم. اما نکته غمبار این است که حذف‌های ما، اغلب هیچ قرینهٔ لفظی‌ای ندارند و معمولا این حذف‌ها در جملاتی رخ می‌دهند که جمله اول نیازمند فعل کمکی است.

لطفا به مثال‌هایی که در ادامه می‌آیند دقت بفرمایید:

ـ پلیس ویژه، دادستانی را اشغال و خواستار آزادی این سه تن شد.

ملاحظه می‌فرمایید؟ بعد از کلمه «اشغال» فعلی نیامده و فعل شد در پایان جمله دوم برای جمله نخست نامناسب است. یعنی نمی‌توانیم بنویسیم: پلیس ویژه، دادستانی را اشغال شد. بنابراین شکل درست جمله این است: پلیس ویژه، دادستانی را اشغال کرد و خواستار آزادی این سه تن شد.

در مثال‌های بعدی، جمله غلط و سپس شکل درست آن را می‌بینیم. به مورد اختلاف دو جمله اندکی توجه بفرمایید:

ـ غلط: در سال ۳۳۴، آل‌بویه بغداد را گشودند و خلیفه را برکنار و پسرش را به جای او نشاندند.

درست: در سال ۳۳۴، آل‌بویه بغداد را گشودند و خلیفه را برکنار کردند و پسرش را به جای او نشاندند.

ـ غلط: این مسأله مطرح و مورد بررسی قرار گرفت.

درست: این مسأله مطرح و بررسی شد.

ـ غلط: لایحه‌ی... در جلسه‌ی امروز شورای نگهبان مطرح و مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشد. (حذف فعل کمکی شدن اگر به قرینه گرفته شود، «مطرح» به معنی «مطرح نشد» خواهد بود نه «مطرح شد»)

درست: لایحه‌ی... در جلسه‌ی امروز شورای نگهبان مطرح شد و مغایر با شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

یا: لایحه‌ی... در جلسه‌ی امروز شورای نگهبان مطرح شد و در آن مغایرت با شرع و قانون اساسی دیده نشد.

نکته دیگری که در نگارش زبان فارسی باید به آن توجه کنیم این است که نباید دو جزء فعل مرکب را از هم دور کنیم. مثلا نمی‌توانیم میان دو جزء فعل مرکب «بستگی می‌داشت» فاصله بیندازیم و بنویسیم:

ـ فاصله میان هر سطرَ آن بستگی به عواملی نظیر... می‌داشت.

درست آن است که بنویسیم: فاصله میان هر سطر آن به عواملی نظیر... بستگی می‌داشت. یا: فاصله میان هر سطر آن به عواملی بستگی می‌داشت نظیر...